فصلنامه علمی مرمت و معماری ایران
سال چهاردهم، شماره سی و هفتم، بهار ۱۴۰۳

نوع مقاله: پژوهشی
دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۱۸
پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۱۱
صفحات: ۳۱-۱۵
10.52547/mmi.2355.14020211

تحلیل تغییرات معماری مدارس در اواخر دوره قاجار و دوره پهلوی اول، نمونه‌های مطالعاتی مدارس گیلان*

نفیسه عاشوری نالکیاشری** نیلوفر ملک***

چکیده

مسئله آموزش در کشور ایران پیشینه‌ای طولانی دارد و مدارس بخش مهمی از بناهای تاریخی کشور را تشکیل می‌دهند. دوره گذار از قاجار به پهلوی اول تنها به‌دلیل پایان و آغاز دو سلسله پادشاهی مهم نیست؛ بلکه این دوران به‌دلیل تحولات و تغییرات اساسی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و به‌تبع تغییرات معماری و شهرسازی در آن، مورد توجه قرار می‌گیرد. در پی تحولات، گیلان همچون سایر مناطق ایران دچار تحولات فراوانی در دوره‌های مذکور شد و به‌سبب این تحولات، معماری مدارس آن نیز تحت‌تأثیر قرار گرفت. امروزه شناخت تحولات معماری بناها در دوره‌های مختلف، از مهم‌ترین نیازها در زمینه مطالعات معماری است؛ چراکه مطالعه و آموزش صحیح معماری گذشته، امکان اصلاح اشتباهات در معماری معاصر را فراهم می‌آورد. هدف این تحقیق، تحلیل تغییرات معماری مدارس گیلان در اواخر دوره قاجار و دوره پهلوی اول است و به‌دنبال پاسخ به این پرسش است که تغییرات معماری مدارس گیلان در اواخر دوره قاجار و دوره پهلوی اول چگونه بوده است؟ همچنین چه عواملی بر تغییرات معماری مدارس گیلان در دوره مذکور مؤثر بوده و چه تغییراتی در وضعیت اجتماعی در این دوره روی داده است؟ لذا با روش توصیفی- تحلیلی و با استناد به مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای، به شناخت مدارس گیلان (شامل: مدرسه‌های شهید مدنی و شهید مرحبا در آستارا، مدرسه‌های شهید بهشتی (شاهپور)، ۱۷شهریور (فروغ) و مریم در رشت و مدرسه شرف (مهدخت) در بندرانزلی) در بازه زمانی قاجار و پهلوی اول پرداخته شد. شناخت ویژگی‌های فضایی مدارس نشان داد که هم‌زمان با پیشرفت نظام آموزشی در دوره مذکور، فضاهای جدید متناسب با کارکردهای جدید آموزشی در مدارس ایجاد شد که تا قبل از آن بی‌سابقه بود. به‌منظور تأثیرپذیری حکومت وقت از اندیشه‌های غرب، مدارس جدید گیلان در این دوره عموماً به سبک اروپایی ساخته شده‌اند.

واژگان کلیدی: مدرسه، دوره قاجار، دوره پهلوی اول، گیلان، معماری.

---

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد نفیسه عاشوری نالکیاشری:" تحلیل تغییرات معماری مدارس در اواخر دوره قاجار و دوره پهلوی اول؛ نمونه‌های مطالعاتی مدارس گیلان" به راهنمایی نیلوفر ملک در دانشگاه هنر اصفهان است.

** دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده معماری، گرایش مطالعات معماری ایران، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.
*** دانشیار، معماری، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).
n.malek@aui.ac.ir

مقدمه

در دوره‌های قاجار و پهلوی اول تحولات فراوانی در جنبه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی روی داده است که در نتیجه آن‌ها، شهرسازی و معماری نیز در شهرهای مختلف کشور تحت‌تأثیر قرار گرفت. تحولات مذکور، باعث بروز تغییرات در معماری فضاهای آموزشی و مدارس در دوره گذار از قاجار به پهلوی اول شد. در واقع معماری دوره قاجار تحت‌تأثیر معماری سنتی ایران است و ساخت مدارس دینی و بناهای مذهبی در ادامهٔ معماری گذشته انجام می‌شود. بااین‌حال، در معماری کاخ‌ها، جلوه‌هایی از غرب‌گرایی مشاهده می‌شود (افشاراصل، ۱۳۷۷). به‌دلیل تأثیرپذیری حکومت وقت از اندیشه‌های غرب، جامعه آن دوران نیز تحت‌تأثیر قرار گرفت و به‌دنبال آن شهرسازی و معماری نیز متحول گردید. نخستین جلوه‌های این تغییرات، در تخریب بخش زیادی از بافت تاریخی شهرها و معابر دیده می‌شود. همچنین در این دوران به دلیل تأثیرپذیری از گرایش‌های ناسیونالیستی، معماری دوره پهلوی اول، ویژگی‌هایی همچون عمودگرایی، صلابت، نظامی‌گری، باستان‌گرایی و استفاده از تزئینات غربی را به خود گرفت (نظری، ۱۳۸۶؛ زرکش، ۱۳۸۸). این ویژگی‌ها در بناهای عمومی مانند مدارس دیده می‌شود که باعث ایجاد تغییرات در معماری مدارس شده است. امروزه شناخت تحولات و تغییرات معماری بناها در دوره‌های مختلفی از تاریخ کشور ایران و تحلیل آن‌ها، یکی از مهم‌ترین نیازها در زمینه مطالعات معماری است (باقرزاده نریمانی، ۱۳۹۴)؛ زیرا مطالعه معماری گذشته و آموزش صحیح آن امکان اصلاح اشتباهات در معماری معاصر را فراهم می‌آورد (ابوالقاسمی، ۱۳۷۴). تحلیل دلایل بروز تحولات معماری مدارس در دوره مذکور به‌عنوان قدمی اساسی در مطالعات معماری مدارس گیلان اهمیت ویژه‌ای دارد. هدف این تحقیق، تحلیل تغییرات معماری مدارس گیلان در اواخر دوره قاجار و دوره پهلوی اول و به‌دنبال پاسخ به این پرسش است که تغییرات معماری مدارس گیلان در اواخر دوره قاجار و دوره پهلوی اول چگونه بوده است؟ همچنین چه عواملی بر تغییرات معماری مدارس گیلان در دوره مذکور مؤثر بوده است؟ و چه تغییراتی در وضعیت اجتماعی در این دوره روی داده است؟ در پژوهش حاضر ابتدا مفاهیم مهم و اصلی مورد نظر پژوهش با روش مطالعات کتابخانه‌ای بررسی می‌شوند. سپس با شناخت وضعیت آموزش‌وپرورش، به تغییرات اجتماعی دوران مذکور (قاجار و پهلوی اول) در بستر مکانی مورد نظر (گیلان) پرداخته خواهد شد. بررسی وضعیت مدارس نوین در این دوره، بحث بعدی است که به آن توجه می‌شود. در نهایت با معرفی نمونه‌های مورد پژوهش و شناخت ویژگی‌های آن‌ها، تحلیل صورت خواهد گرفت و بر اساس آن نتایج به دست می‌آید. این پژوهش از نظر روش، عمدتاً توصیفی- تحلیلی و دارای جنبه‌هایی از تحقیق تاریخی است. نتایج حاصل از این تحقیق می‌تواند امکان مقایسه مدارس این دوره‌ها را با مدارس معاصر فراهم کند. همچنین در ارتباط با نقد و ارزیابی مدارس امروز، در صورت تداوم پژوهش، ارگان‌هایی همچون سازمان نوسازی مدارس، آموزش‌وپرورش و مواردی از این دست می‌توانند از آن استفاده کنند. این پژوهش می‌تواند به‌عنوان منبع پژوهش‌های بعدی استفاده شود و سطح آگاهی علمی جویندگان این عرصه را افزایش دهد. درخصوص معماری مدارس استان گیلان در دوره قاجاریه و پهلوی و همچنین عوامل مؤثر بر تحولات معماری مدارس در بازه زمانی این پژوهش، مطالعه‌ای انجام نشده است؛ بنابراین نیاز به تحقیق برای شناخت معماری مدارس استان گیلان در بازه زمانی مذکور احساس شد. از طرفی تعداد معدودی از مدارس آن دوران باقی مانده‌اند که آن‌ها نیز در معرض خطر تخریب هستند. این مسئله سبب افزایش ضرورت انجام این پژوهش شده است.

پیشینه پژوهش

تحقیقات و پژوهش‌های مختلفی در زمینهٔ فضاهای آموزشی و مدارس تاریخی صورت گرفته است. در حوزه مرتبط با تحقیق، می‌توان آن‌ها را به پنج گروه تقسیم کرد: ۱. تاریخ آموزش‌وپرورش ایران ۲. تاریخ مدارس ایرانی ۳. معماری مدارس و مسجد- مدرسه‌ها در دوره‌های صفوی، قاجار و پهلوی اول ۳. تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در دوره قاجار و پهلوی اول ۵. تاریخ گیلان و مدارس آن. در گروه اول، تاریخ آموزش‌وپرورش، با نگاهی گسترده به شناخت وضعیت آموزش در دوره‌های مختلف تاریخ ایران پرداخته‌اند. در کتاب "تاریخ فرهنگ ایران" اثر "عیسی صدیق"، در فصلی از آن پس از بیان گزیده‌ای از اوضاع در دوره قاجار، درباره آموزش‌وپرورش در این دوره بحث کرده است (صدیق، ۱۳۳۶). کتاب "سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا" نوشته "مرتضی راوندی" پژوهش دیگری در حوزه تاریخ آموزش‌وپرورش است که در قسمتی از آن به تعلیم و تربیت در دوره قاجار پرداخته شده است. در کتاب "تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران" اثر "حسین محبوبی اردکانی"، مطالبی درباره مدارس جدید بیان شده است. این کتاب رسالهٔ دکتری نویسنده بوده که در سه جلد منتشر شده است (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۴). در زمینهٔ تاریخ

مدارس ایران، می‌توان به این کتاب‌ها اشاره کرد: در کتاب "تحولات مدارس در ایران" مدارس در سه دوره: قبل از اسلام، اسلامی و صفویه بررسی و در فصلی جداگانه به تحلیل کلی خاستگاه مدارس سبک جدید ایران پرداخته شده است (سمیع‌آذر، ۱۳۷۶). در کتاب "تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تأسیس دارالفنون"، وضعیت مدارس در دوره مذکور بررسی شده است. علاوه‌بر شناخت ویژگی‌های اجتماعی و سیاسی هر دوره، مدارس شاخص آن نیز معرفی شده اما از مدارس و بحث آموزش در دوره قاجار و پهلوی اول سخنی به میان نیامده است (سلطان‌زاده، ۱۳۶۴). پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه، عمدتاً در ارتباط با مبحث آموزش و مدارس در دوره قاجار و پهلوی اول، به‌صورت کلی شکل گرفته یا تمرکز تحقیق‌ها بر پایتخت ایران (شهر تهران) به‌عنوان مرکز تغییرات و تحولات بوده است. پژوهش دیگر کتاب "مدارس جدید در دوره قاجاریه، بانیان و پیشروان" نوشته "اقبال قاسمی‌پویا" است با این تفاوت که در آن به‌طور مختصر به شناخت و معرفی مدارس جدید در دوره قاجار در سایر ولایت‌ها و ایالت‌های کشور پرداخته شده است (قاسمی‌پویا، ۱۳۷۷). از مقالات موجود در این حوزه می‌توان به: "تأثیر تحول نظام آموزش بر هویت معماری مدارس دوره قاجار و پهلوی (۱۲۵۵ـ۱۳۲۰)" (رضوی‌پور و ذاکری، ۱۳۹۶) و "سیر تحول معماری مدارس ایران در گذر زمان" (سعیدی‌کیا، ۱۳۹۷) اشاره کرد. در ارتباط با معماری مسجد- مدرسه‌ها و مدارس دوره‌های صفوی، قاجار و پهلوی اول، مطالعات بسیاری انجام شده که بیشتر به معرفی و توصیف بناها پرداخته‌اند (اکبری، ۱۳۹۰؛ حاجی‌قاسمی، ۱۳۷۸؛ کسائی، ۱۳۷۴ و مهدوی، ۱۳۸۶). همچنین در مطالعات محققان خارجی و مستشرقان در کتاب‌های ثبت وقایع و سفرنامه‌ها مطالبی به‌طور عمده و به‌صورت توصیفی بیان شده است. مطالعات مرتبط با تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در دوره قاجار و پهلوی اول به‌صورت گسترده انجام شده است. در پژوهشی تاریخی به بررسی اوضاع سیاسی در ایران، از انقلاب مشروطه تا انقلاب۵۷، پرداخته شده است (آبراهامیان، ۱۳۷۷). در حوزه تاریخ استان گیلان نیز کتاب‌های "تاریخ گیلان" (فومنی، ۱۳۵۳)، "تاریخ گیلان؛ از ورود شاه‌عباس به گیلان تا پایان انقلاب جنگل" (عظیمی، ۱۳۹۶) و "تاریخ گیلان؛ از برآمدن سردارسپه تا برافتادن رضاشاه" (عظیمی، ۱۳۹۸) منتشر شده که دربردارندهٔ اطلاعات مفیدی است. آثار ناصر عظیمی اطلاعات سودمندی از وضعیت گیلان و همچنین مدارس گیلان در بازه زمانی پژوهش در اختیار قرار می‌دهد. عمده تحقیقات و پژوهش‌های صورت‌گرفته در حوزه تحول و تغییرات معماری مدارس و تأثیر نظام آموزشی بر کالبد مدارس در دوره قاجار و پهلوی اول، با تمرکز بر شهرهایی چون تهران (باقرزاده نریمانی، ۱۳۹۴)، اصفهان (طهماسبی، ۱۳۹۷) و یزد (برخورداری یزدی، ۱۳۹۲) انجام شده؛ اما مطالعاتی با این مضمون در مورد مدارس استان گیلان صورت نگرفته است. از این جهت پژوهش حاضر، در حوزه فضاهای آموزشی استان گیلان موضوعی جدید است.

روش پژوهش

در این پژوهش با هدفی کاربردی به شناسایی و تحلیل تغییرات معماری مدارس استان گیلان در اواخر دوره قاجار و پهلوی اول پرداخته شده که شامل: شناخت، معرفی، مطالعه ویژگی‌ها و تحلیل تغییرات معماری آن‌هاست. بنابر مواردی همچون: تخریب مدارس تاریخی، فعالیت نداشتن این مراکز یا بدون استفاده بودن آن‌ها، تغییر کاربری به موزه، باشگاه ورزشی و سایر موارد، اجازه ندادن مالکین خصوصی و دولتی برای تهیه نقشه و عکس؛ همچنین موجود نبودن اسناد برخی از مدارس تاریخی، ۶ مدرسه تاریخی در استان گیلان مربوط به دوره‌های قاجار و پهلوی اول: مدرسه شهید بهشتی (رشت)، ۱۷شهریور (رشت)، مریم (رشت)، شهید مدنی (آستارا)، شهید مرحبا (آستارا) و شرف (بندرانزلی) از میان مدارس موجود انتخاب شدند. برای تحلیل تغییرات معماری مدارس استان گیلان در دوره‌های قاجار و پهلوی اول از روش پژوهش کیفی با رویکرد توصیفی- تحلیلی استفاده شد. طبق عنوان پژوهش، مدارس تاریخی استان گیلان در دوره‌های قاجار و پهلوی اول مورد شناخت و تحلیل قرار گرفته‌اند.

یافته‌ها و بحث

برای مطالعه معماری مدارس، می‌بایست به شناختی کلی از وضعیت آموزش‌وپرورش و همچنین مفهوم آموزش دست یافت. در این پژوهش به بررسی تغییرات معماری مدارس در دوره زمانی مشخص (اواخر دوره قاجار و دوره پهلوی اول) پرداخته شده لذا شناخت ویژگی‌های معماری مدارس تا قبل از تغییرات رخ‌داده اهمیت ویژه‌ای دارد.

آموزش

دهخدا واژه آموزش را بدین صورت معنی کرده است: "اسم مصدر از آموختن. عمل آموختن. تعلیم" (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۱۴) آموزش به‌صورت کلی به دو بخش: رسمی و غیررسمی تقسیم می‌شود. آموزش رسمی در واقع با هدف راحت ساختن یادگیری از طرف معلم طرح‌ریزی شده و بین معلم و یک یا تعدای دانش‌آموز به‌شکل یک کنش متقابل در جریان است

(سیف، ۱۳۷۹: ۳۰). آموزش غیررسمی از راه‌های مختلفی ازجمله زندگی اجتماعی انجام می‌پذیرد. آموزش‌وپرورش در جوامع ابتدایی به‌صورت یک فعالیت نظام‌یافته و تخصصی متجلی نمی‌شود، بلکه تحت‌نظر گروه خویشاوندی یا افراد خانواده، به‌واسطهٔ مشارکت تدریجی هر فرد در فعالیت‌ها ازطریق برگزاری مراسم اجتماعی تأمین می‌شود (کشاورزی، ۱۳۸۵: ۱۱). با مطالعه تاریخ آموزش‌وپرورش می‌توان دریافت که نقش آموزش غیررسمی بسیار بیشتر و طولانی‌تر از آموزش رسمی است.

معماری مدارس سنتی

«مدارس سنتی بی‌شماری در جای‌جای ایران وجود دارند که در دوره‌های مختلف تاریخی ساخته شده‌اند. معماری این مدارس علی‌رغم تفاوت‌هایی که باهم دارند، در بسیاری از موارد دارای الگوهایی مشخص است» (برخورداری یزدی، ۱۳۹۲: ۲۱) «عناصر تشکیل‌دهنده معماری مدارس سنتی ایران به‌طور کلی عبارتند از: فضای ورودی، میانسرا (حیاط)، حجره، مدرس، مسجد، کتابخانه، اتاق‌های خادم و چراغدار و سرویس‌های بهداشتی و در برخی مدارس خیلی‌بزرگ حمام» (همان: ۲۴) «شکل حیاط‌ها به‌صورت مستطیل یا نزدیک به مربع است. ورودی مدرسه در یک‌سوی محوری که از وسط دو ضلع و مرکز مستطیل می‌گذرد قرار دارد. در بسیاری موارد فضایی که در سوی دیگر محور مذکور یعنی روبه‌روی فضای ورودی قرار می‌گرفته، به کارکردی غیر از حجره (مانند گنبدخانه، مدرس، کتابخانه یا ایوانی بزرگ) اختصاص می‌یافته است» (سلطان‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۳۸)

مکتب‌خانه

مکتب‌خانه از ابتدایی‌ترین نهادهای آموزشی دورهٔ قاجار در ایران محسوب می‌شد که در سطح پایینی به آموزش اصول و عقاید دینی به کودکان می‌پرداخت (ذوالفقاری و حیدری، ۱۳۹۱). همچون مدرسه‌ای که میرزاحسن رشدیه به سبکی جدید و با نام مکتب راه‌اندازی کرد (قاسمی‌پویا، ۱۳۷۷). در این پژوهش منظور از مکتب‌خانه، صرفاً مکان‌های آموزش سنتی پیش از ایجاد مدارس جدید است.

مدارس علوم دینی

«مدارس علوم دینی یکی دیگر از نهادهای آموزشی در دوره قاجار هستند. این نهاد آموزشی همانند مکتب‌خانه‌ها عمومیت نداشته و در اصل نوعی آموزش تخصصی دینی را در نظام آموزش سنتی بر عهده داشته است. مدارس علوم دینی در دوره قاجار دنبالهٔ مدارس دینی و نظام آموزشی دوره صفویه بودند» (طهماسبی، ۱۳۹۷: ۴۲). «اگرچه مدارس دینی اصفهان در دورهٔ صفویه در اوج عظمت و شکوه بودند اما به نظر می‌رسد که در دورهٔ قاجار این مدارس چندان رونقی نداشته و مورد توجه واقع نمی‌شدند» (الاصفهانی، ۱۳۶۸: ۷۳)؛ «بااین‌حال این دوره، اوج احداث مسجد- مدرسه‌هاست و مدارس دینی با اندکی تغییر در کالبد معماری، همچنان مکان ویژه آموزش طلاب دینی بودند» (اکبری، ۱۳۹۰: ۷۱).

تغییر و تحولات گسترده فرهنگی و اجتماعی در دوره قاجار

در نیمه اول قرن نوزدهم، از دوران فتحعلی‌شاه و محمدشاه تا سال‌های اولیه سلطنت ناصرالدین‌شاه، جامعه با تغییرات بی‌سابقه‌ای مواجه شد. به‌دنبال رویدادهایی چون انقلاب فرانسه، رقابت کشورهای اروپایی، گسترش استعمارگری اروپائیان، شکست‌های مداوم ارتش ایران و مداخله نظامی امپراتوری روسیه و انگلیس، ایران را باوجود تمام ضعف‌ها و عقب‌ماندگی‌های پس از آن، با این‌که نه وابسته بود و نه مستعمره، کشوری وابسته شد. «به‌دنبال این رخدادهای تاریخی است که اندیشه‌هایی ضدحکومتی و ضداستعماری در جامعه جوانه زد ولی حکومت به یاری بیگانگان با ترفندهای گوناگون مدت‌ها جلوی هر نوع آزادی‌خواهی و فرهنگ‌پژوهی را گرفت» (قاسمی‌پویا، ۱۳۷۷: ۲۷) «و سعی کرد مانع از هرگونه تغییر و تحول مثبت گردد. در این دوران نفوذ دولت‌های استعماری اروپایی دو نقش متناقض ایفا کرد؛ از یک‌سو ایران را به اسارت سیاسی و اقتصادی درآورد و از سوی دیگر ایرانیان را با پدیده‌های نوی قرن هجدهم و نوزدهم آشنا کرد. به‌دنبال این رخدادهایی که ذکر آن رفت، نخستین تلاش‌ها برای آشنایی با تمدن غرب و کارهای اصلاحی انجام گرفت. اعزام دانشجو برای تحصیل به اروپا ازجمله این اقدامات بود.» (اکبری، ۱۳۹۰: ۷۳). حکومت مظفرالدین‌شاه دوره شروع تحولات فرهنگی بود. در این دوره انجمن معارف شکل گرفت و چندین مدرسه جدید احداث شد. روزنامه‌ها تاحدودی از آزادی برخوردار شدند و تغییرات مثبتی نیز در محتوای آن‌ها رخ داد. در ادامه مجموعه عوامل خارجی و داخلی، باعث شد تا فرمان مشروطیت را مظفرالدین‌شاه امضا کند. در این دوره نهادهای رسمی ازجمله وزارت معارف، وزارت علوم و سازمان و جمعیت‌های فرهنگی ایجاد شدند و مدارس جدید کم‌کم گسترش یافتند. «از اصلاحات دیگر این دوره می‌توان به اصلاحات میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی اشاره کرد که در دوران پیشکاری در نزد عباس میرزا به همراه وی در تجدید سازمان عشایری و ایجاد ارتش نو و کارگاه‌های اسلحه‌سازی نقش مهمی ایفا کرد. اصلاحگر دیگری که تأثیر قابل توجهی به جا گذاشت میرزا تقی‌خان امیرکبیر بود که در جامعه آن

روز اصلاحاتی در زمینه‌های مختلف انجام داد» (قاسمی‌پویا، ۱۳۷۷: ۳۰-۲۹).

تغییر و تحولات در نظام آموزشی ایران و زمینه‌های آن

آموزش جدید سبب شد تحرک اجتماعی وسیعی در جامعه پدید آید و به‌واسطهٔ آن افراد نیز درک علمی بیشتری از جهان به دست آوردند که تا قبل از این رویداد از هیچ راهی ممکن نبود. این درحالی بود که سیستم آموزش سنتی که در آن زمان مقتدرانه پیشرو بود، دستیابی به فهم و درک جدیدی از جهان را پذیرفتنی نمی‌دانست؛ به همین دلیل نیاز بود آموزش جدید بر موانع بسیاری غلبه کند. ازاین‌رو تا اواسط دوره قاجار تأسیس چنین مدارسی در ایران آسان نبود (عظیمی، ۱۳۹۶: ۲۷۲). «با توجه به تغییرات اجتماعی گسترده، نظام آموزشی ایران نیز متحول شد و نوسازی ایران «با تأسیس مؤسسه‌های مدنی، دایر کردن چاپخانه، انتشار روزنامه، ترجمه کتاب‌های خارجی، موافقت با تأسیس مدارس خارجی و اعزام دانشجو ادامه یافت» (اکبری، ۱۳۹۰: ۷۳).

مدارس در دوره پهلوی اول

«در این دوره مدارس به سه‌گونه در احصائیه‌ها و آمارها شناخته و منتشر می‌شدند: گونه اول مدارس جدید بودند که شامل ابتدایی و متوسطه جدید (بعدها به دبستان و دبیرستان تغییر یافت) می‌شد. این مدارس مانند مدارس غربی مدیریت می‌شدند. دروس‌شان شامل علوم جدید بود. گونه دوم مکتب‌خانه‌ها بود که به‌شکل سنتی و معمولاً توسط یک مکتب‌دار مرد یا زن اداره می‌گردید. مردم کوچه و بازار به این مدارس، ملاخانه نیز می‌گفتند. هدف مکتب‌خانه، آموزش خواندن قرآن و همچنین خواندن و نوشتن فارسی در غیاب آموزش مدرن بود. لذا کسانی که در مکتب‌خانه‌ها آموزش می‌دیدند، توانایی خواندن و نوشتن داشتند. گونه سوم، مدارس قدیمه می‌باشد. این مدارس در واقع همان حوزه علمیه است که در آن به تربیت طلاب می‌پردازند. دروس آنان به دو قسمت کلی حکمت و فقه و اصول تقسیم می‌شد» (عظیمی، ۱۳۹۸: ۳۷۹-۳۷۸). «از نظر مالکیت، دو نوع مدرسه وجود داشت: اول مدارس خصوصی یا ملی که به‌صورت خصوصی اداره می‌گردید؛ دوم مدارس دولتی که هزینه‌اش توسط دولت و یا مالیاتِ دریافتی توسط اداره مالیه دولتی تأمین می‌شد» (همان: ۳۸۰). در ادامه نمونه‌های مورد پژوهش براساس معیارهای واحدی از جنبه‌های مختلف شناخت و تحلیل خواهند شد تا بدین صورت مقایسه ویژگی‌های آن‌ها با ویژگی‌های معماری مدارس قبل از آن‌ها امکان‌پذیر شود.

مدارس جدید گیلان

برپایی مدارس جدید در کشور ایران و استان گیلان پس از مرگ ناصرالدین‌شاه به‌ویژه زمانی که میرزا علی‌خان امین‌الدوله صدراعظم بود، سرعت گرفت. امین‌الدوله علاقه زیادی به راه‌اندازی مدارس جدید داشت. او یک سال قبل از شروع به کار یعنی زمانی که پیشکار آذربایجان بود، به کمک حسن رشدیه مدرسه بزرگی در شهر تبریز تأسیس کرد. پس از این‌که به‌عنوان صدراعظم انتخاب شد، در تهران نیز همین کار را انجام داد. او میرزاحسن رشدیه را که مخالفان زیادی داشت، به تهران دعوت و شروع به احداث مدارس جدید در شهر تهران کرد. بدین ترتیب میرزا علی‌خان امین‌الدوله که مردی روشن‌فکر بود، در تأسیس مدارس جدید در سراسر کشور ازجمله گیلان پیش‌گام شد (عظیمی، ۱۳۹۶).

«احداث مدارس جدید در گیلان برای اولین‌بار در محور رشت- بندرانزلی صورت گرفت» (عظیمی، ۱۳۹۶: ۲۷۵). «نخستین مدرسه جدید گیلان، مدرسه خصوصی (ملی یا ملتی) بود که به‌وسیله یک ارمنی مقیم رشت در زمان حکومت ناصرالدین‌شاه در سال ۱۸۸۹ میلادی یا ۱۳۰۶ هجری قمری به نام همسرش مریمیان برای ارامنه ساکن رشت احداث نمود. تأسیس مدارس جدید ارمنی گیلان به‌صورت عمده تحت‌نظر ارمنیان قفقازی بود» (همان: ۲۷۳). «در همین زمان مدرسه جدید دیگری در شهر بندرانزلی تأسیس شد. سرپرست کتابخانه و موزه وانک اصفهان، لئون میناسیان، براساس اسناد و مدارک موجود در کلیسا گفته که بنای این مدرسه جدید در سپتامبر ۱۸۹۵ م. /۱۳۱۳ ه.ق. در کنار کلیسای آتسواتساتین احداث شده است» (فروحی و طالبی، ۱۳۷۷: ۱۰۹). «به نظر می‌رسد مدارس جدید ساخته‌شده توسط ارمنیان، انگیزه زیادی برای احداث مدارس جدید در شهرهای رشت و بندرانزلی ایجاد نمود که در برخی موارد نیز الگویی جهت آموزش به شیوه جدید شد» (عظیمی، ۱۳۹۶: ۲۷۵).

شیوه‌های تعریف‌کننده فضا

«اگر تعریف فضا محدود به مشخص بودن جداره‌هایش در نظر گرفته شود، سه عنصر دیوار، سقف و کف دخیل می‌شوند.» (حائری، ۱۳۹۵: ۱۹۴) نظر به این‌که در معماری بناهای مختلف در ایران، هم‌زمان شاهد سه گونهٔ: فضای باز، فضای بسته و فضای نیمه‌باز هستیم، شیوه‌های به‌کارگیری عناصر معماری، مدل‌های متنوعی از این نوع فضا را ارائه می‌کند. در گونه اول، مدرسه‌های ۱۷شهریور، شهید بهشتی، مریم و شهید مدنی، بنای مدارس از چهار جهت با فضای بازِ حیاط ارتباط

دارند. در گونه دوم، مدرسه مرحبا از سه جهت بسته و تنها از جهت شرق با فضای باز حیاط مرتبط است. در گونه سوم نیز مدرسه شرف از جهت غرب بسته و از سه جهت شمال، جنوب و شرق با فضای باز حیاط در ارتباط است. با بررسی نقشه‌های مدارس می‌توان نتیجه گرفت که فضای نیمه‌باز تنها به‌صورت بالکن و حدفاصل فضای باز و بسته در طبقه اول دو مدرسه مریم و مرحبا به چشم می‌خورد (جدول ۱).

عناصر منفرد و تکرارشونده

کلاس‌های درس عمدتاً به‌عنوان عناصر تکرارشونده به‌صورت منحصربه‌فرد یا چندگانه تجلی پیدا می‌کنند. پلان طبقه اول مدرسه ۱۷شهریور را می‌توان در گروه اول یعنی منفرد در محاط تکراری قرار داد؛ چراکه در این پلان، راهرو به‌عنوان عنصر منفرد و سایر فضاهای آموزشی و اداری به‌عنوان عناصر تکرارشونده آن را احاطه کرده‌اند. پلان همکف مدارس ۱۷شهریور، شهید بهشتی، مریم، شهید مدنی، شهید مرحبا و شرف را می‌توان در گروه سوم یعنی منفرد در میدان تکراری دسته‌بندی کرد؛ زیرا در آن‌ها راهروی مدرسه به‌عنوان عنصر منفرد، عناصر تکرار شونده (فضای آموزشی و اداری) را که به‌صورت یکنواخت مرتبط هستند، قطع می‌کند (جدول ۲).

جدول ۱. گونه‌شناسی فضایی مدارسِ مورد پژوهش

فضای باز	فضای بسته	فضای نیمه‌باز
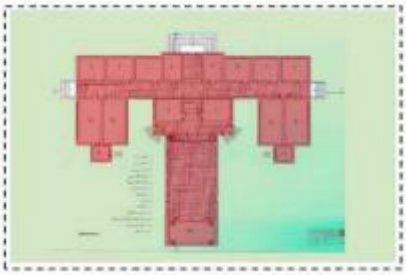	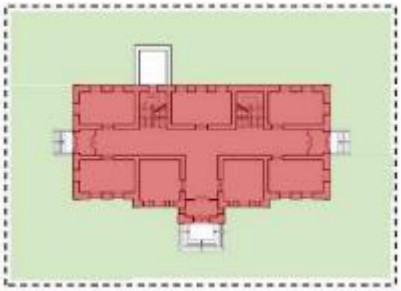	
پلان شهید بهشتی	پلان طبقه همکف ۱۷شهریور	
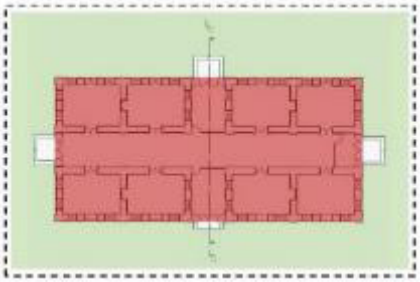	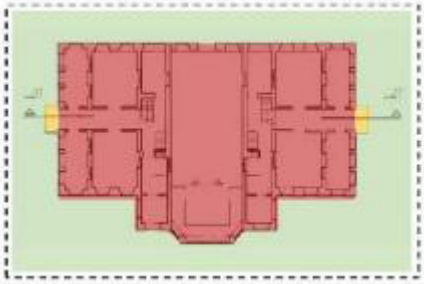	
پلان شهید مدنی	پلان طبقه اول مریم	
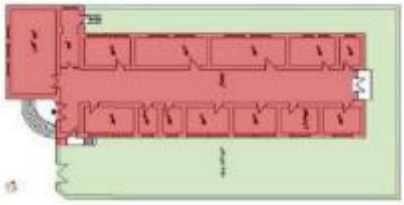	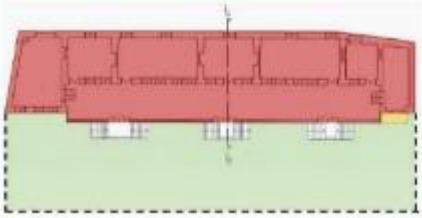	
پلان شرف	پلان طبقه اول مرحبا	

(نگارندگان، ۱۴۰۱)

شیوه‌های ترکیب‌کننده فضا

به نحوه جای‌گیری فضاهای مختلف در کنار هم، شیوه‌های ترکیب فضا می‌گویند. با کنار هم قرار گرفتن و ترکیب فضاها با یکدیگر، فضاها جادارتر و مفیدتر خواهند شد (حائری، ۱۳۹۵: ۱۸۱).

بسط فضاییِ افقی و عمودی

بررسی مدارس مورد پژوهش مشخص کرد که بسط فضایی به‌وسیلهٔ مجاورت ایجاد شده است. بدین صورت که استقلال هر فضا به کمک دیوار صلب جداکنندهٔ فضا حفظ شده است. با توجه به اهمیت استقلال و تفکیک کلاس‌های درسی، در مدرسه‌های مورد پژوهش بسط فضایی مشاهده نمی‌شود. بااین‌حال در بخش اداری یک یا چند فضای مجاور به‌وسیلهٔ در، با هم در ارتباط بوده و بسط پیدا کرده‌اند. «بسط عمودی فضا زمانی میسر است که به اندازه یک لایه فضایی مرتفع گردد. افزایش ارتفاع موجب تنوع فضایی می‌شود» (حائری، ۱۳۹۵: ۱۸۳) با افزایش ارتفاع، سقف در ایجاد جریان هوا و تأمین نور، جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کند. در قسمت عمومی و فضای اجتماعی مدارس مانند راهروی اصلی، ارتفاع سقف را می‌توان بلندتر در نظر گرفت. همان‌گونه که در قسمت میانی راهروی مدرسه شهید بهشتی با افزایش ارتفاع، بسط فضایی به‌صورت عمودی دیده می‌شود (جدول ۳).

بسط نور و چشم‌انداز

«بسط نوری و چشم‌اندازی از زیرشاخه‌های بسط فضایی می‌باشند. چشم‌انداز و نور سبب منبسط شدن فضا می‌شوند. نحوه استفاده از نور و چشم‌انداز، کیفیت فضایی را دچار تغییر می‌کند» (حائری، ۱۳۹۵: ۸۷).

نورگیری فضاهای آموزشی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در مدارس مورد پژوهش بسط نور و چشم‌انداز بیشتر افقی و به‌وسیلهٔ درها و پنجره‌ها تأمین شده است. در مدرسه شهید بهشتی به‌واسطهٔ وجود نورگیر سقفی وسط راهروی مدرسه، بسط نوری عمودی نیز ایجاد شده است (جدول ۴).

جدول ۲. دسته‌بندی عناصر تکرارشونده

عناصر تکرارشونده / عناصر منفرد		
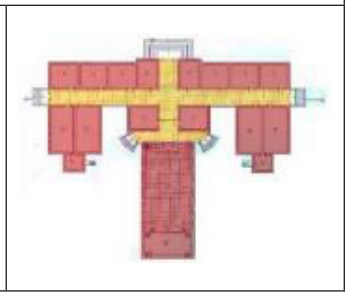	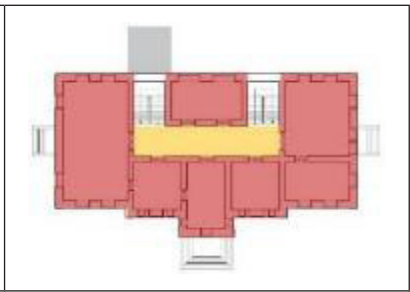	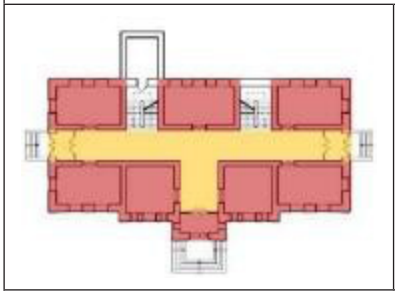
پلان شهید بهشتی	پلان طبقه اول ۱۷شهریور	پلان طبقه همکف ۱۷شهریور
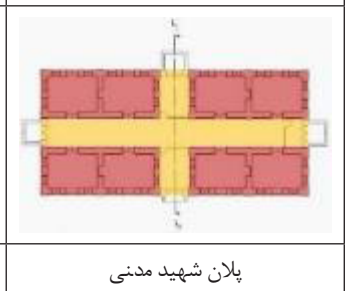	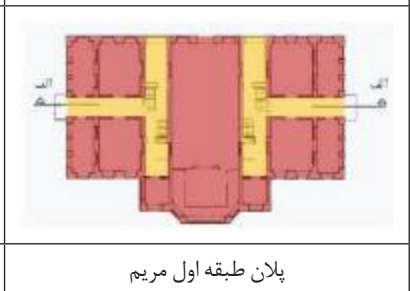	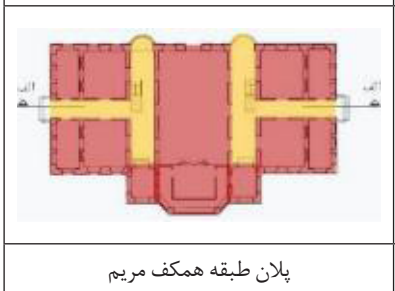
پلان شهید مدنی	پلان طبقه اول مریم	پلان طبقه همکف مریم
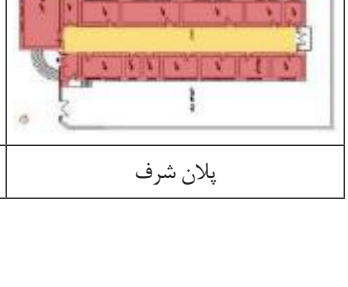	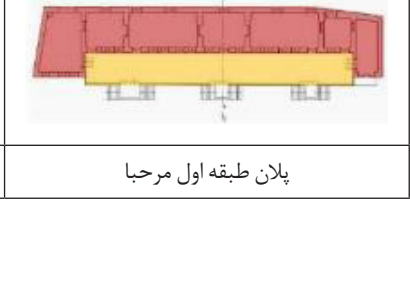	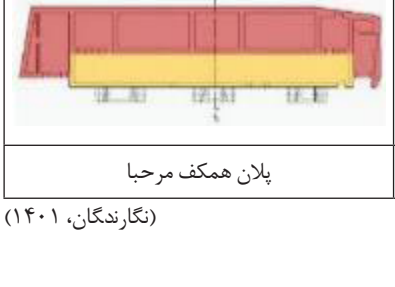
پلان شرف	پلان طبقه اول مرحبا	پلان همکف مرحبا

(نگارندگان، ۱۴۰۱)

عوامل تمایزدهنده فضا

«دو ویژگی تعریف شدن و تمایز پیدا کردن فضا موجب تکامل و تقویت توان فضا می‌شود؛ ازاین‌رو کیفیت فضایی زیاد می‌گردد» (حائری، ۱۳۹۵: ۱۰۶). از عوامل تمایزدهنده فضا می‌توان به نور، رنگ، تزئینات و پر و خالی بودن فضا اشاره کرد. در این میان تنوع ارتفاع فضا در نمونه‌های مورد پژوهش قابل بررسی است.

تزئینات

در مدرسه ۱۷شهریور تزئینات به‌صورت نهاز و نخیر در نمای خارجی ساختمان به چشم می‌خورد. علاوه‌بر این‌ها ورودی راه‌پله با قوس نیم‌دایره، در و پنجره‌ها و تزئینات شومینه در این مدرسه قابل توجه است. در مدرسه شهید

جدول۳. بسط فضایی افقی و عمودی نمونه‌های مورد پژوهش

بسط فضایی افقی	بسط فضایی عمودی
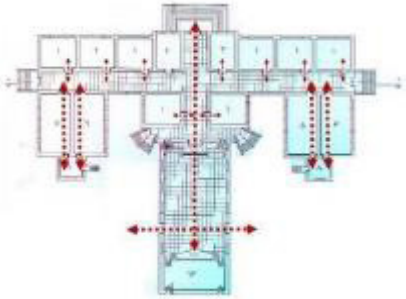	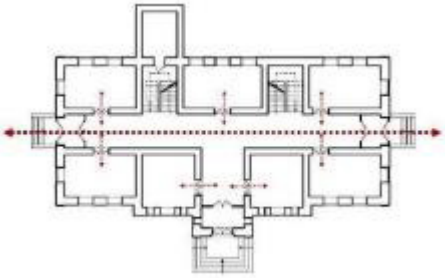
پلان شهید بهشتی	پلان طبقه همکف ۱۷شهریور
برش شهید بهشتی	
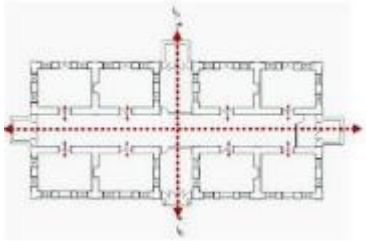	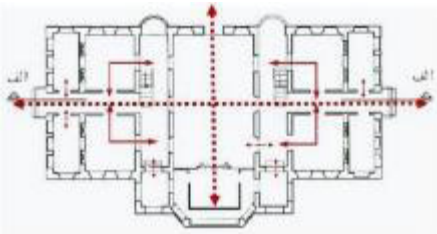
پلان شهید مدنی	پلان طبقه همکف مریم
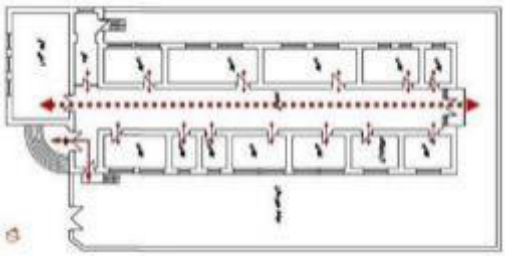	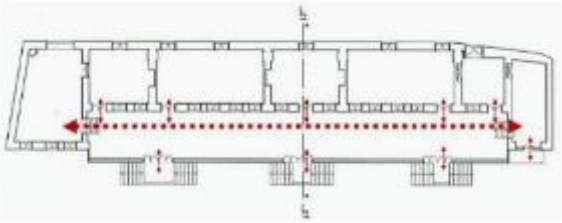
پلان شرف	پلان مرحبا

(نگارندگان، ۱۴۰۱)

بهشتی، تزئینات غالباً با سیمان برجسته نقش‌هایی از گل و گیاه را در نمای خارجی ساختمان ایجاد کرده‌اند. در نمای اصلی بنا (جنوبی) نقش فَروَهر زیر بیت: «توانا بود هرکه دانا بود ـ ز دانش دل پیر برنا بود» قرار گرفته و اطراف آن با ستون‌های کوتاه و گچبری‌های ظریف و نازک‌گیری‌های بدیع و دقیق تزئین شده است. در مدرسه مریم نیز تزئینات برجسته روی نمای خارجی مشاهده می‌شود. همچنین نرده‌های چوبی تراس و شکل پنجره‌های این مدرسه مورد توجه است.

جدول۴. بسط نوری و چشم‌اندازی نمونه‌های مورد پژوهش

بسط چشم‌اندازی	بسط نوری
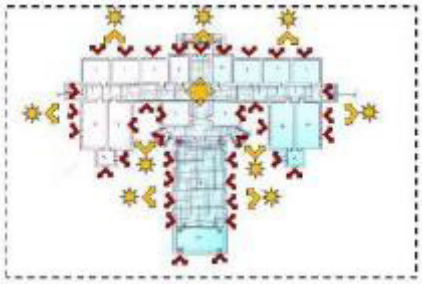	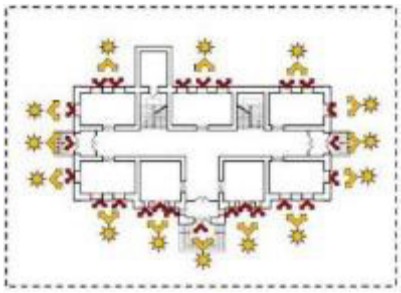
پلان شهید بهشتی	پلان طبقه همکف ۱۷شهریور
برش شهید بهشتی	
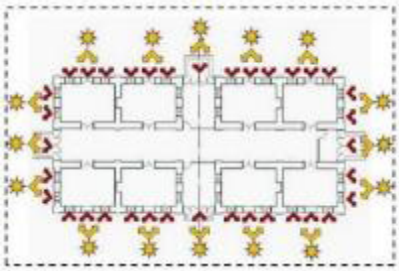	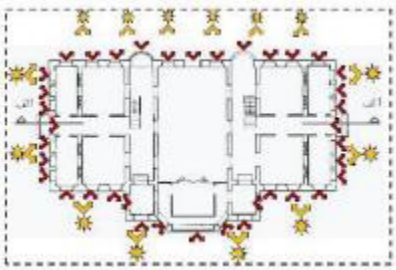
پلان شهید مدنی	پلان طبقه همکف مریم
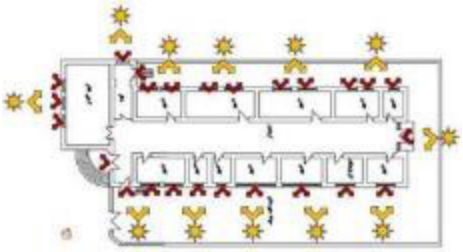	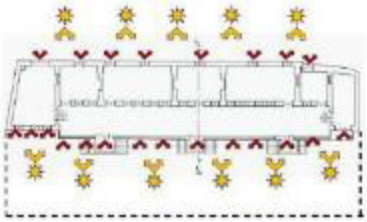
پلان شرف	پلان طبقه اول مرحبا

نگارندگان، ۱۴۰۱)

تزئینات مدرسه شهید مدنی درها و پنجره‌های چوبی با قوس نیم‌دایره در بالا و قاب‌های آجری برجسته در اطراف آن است. در مدرسه شهید مرحبا، تزئینات گچی شومینه‌ها و سایر گچبری‌های داخل ساختمان و تزئینات چوبی موجود در بنا از مهم‌ترین تزئینات این بناست. تزئینات مدرسه شرف تصویر حک‌شده نام قدیمی این مدرسه (دبیرستان فردوسی) در نمای قسمت ورودی ساختمان و تزئینات کارشده در حیاط مدرسه است (جدول۵).

جدول۵. تزئینات در نمونه‌های مورد پژوهش

جداره خارجی۱۷شهریور	شومینه دیواری ۱۷شهریور	درب ورودی ۱۷شهریور	راه‌پله ۱۷شهریور
جزئیات جداره خارجی مدرسه شهید بهشتی	جزئیات نمای اصلی مدرسه شهید بهشتی	جزئیات نمای اصلی مدرسه شهید بهشتی	
نمای اصلی ساختمان مدرسه مریم	جزئیات جداره خارجی ساختمان مدرسه مریم	جزئیات بازشوهای ساختمان مدرسه مریم	
		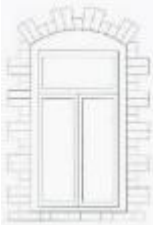	
نمای اصلی ساختمان مدرسه شهید مدنی	جزئیات پنجره مدرسه شهید مدنی	جزئیات پنجره مدرسه شهید مدنی	

ادامه جدول۵. تزئینات در نمونه‌های مورد پژوهش

نمای اصلی ساختمان مدرسه شهید مرحبا	جزئیات جداره داخلی مدرسه شهید مرحبا	شومینه دیواری مدرسه شهید مرحبا
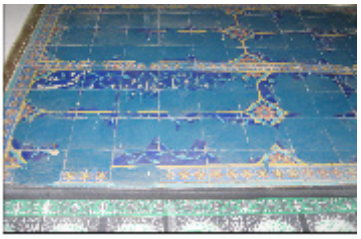		
کاشی‌کاری در جداره ساختمان مدرسه شرف	جزئیات جداره حیاط مدرسه شرف	

(نگارندگان، ۱۴۰۱)

پر و خالی

دیوارها مسطح نیستند، به‌وسیلهٔ تاق، طاقچه، طاق‌نما و ارتفاع از حالت مسطح خارج شده و با ایجاد تقسیمات فضایی در بدنه از وزن سازه کاسته و بر زیبایی دیوار افزوده می‌شود. بدین طریق امکان قرار دادن اشیا بر روی آن نیز به وجود می‌آید (حائری، ۱۳۹۵)، (جدول۶).

رابطه بین ورودی و محورهای بنا

تا پیش از دوره پهلوی، بناهای گوناگونِ درون‌گرا (دارای حیاط مرکزی) و برون‌گرا (کوشک‌مانند)، سردر ورودی یا دالان ورودی داشتند که این فضا ارتباط‌دهنده بیرون و درون بود. اما بعدتر در معماری جدید مدارس دوره پهلوی، مواجههٔ مستقیم و بدون واسطه با کلیت بنا دیده می‌شود؛ اتفاقی که در مدارس ۱۷شهریور، شهید بهشتی، مریم، شهید مدنی و شرف رخ داده است. اگرچه در نمونه‌های مورد پژوهش، برون‌گرایی به‌عنوان شاخصه اصلی در نظر گرفته می‌شود اما در مدرسه شهید مرحبا به کمک دالان ورودی، سلسله‌مراتب ورود از بیرون به داخل حیاط مدرسه ایجاد شده است. یکی از عوامل مهم در سازماندهی فضای معماری، رابطه میان محورها و ورودی ساختمان است. در تمامی نمونه‌های مورد پژوهش این ارتباط به‌شکلی است که ورودی‌های اصلی همگی درراستای محور اصلی ساختمان قرار گرفته‌اند. ورودی‌های فرعی نیز درراستای محور فرعی و عموماً عمود بر محور اصلی قرار دارند. در بعضی موارد مانند مدرسه‌های شهید مدنی، شهید مرحبا و شرف، یک یا دوتا از ورودی‌های فرعی درراستای محور اصلی قرار دارند. توجه به موقعیت قرارگیری ورودی نسبت به محورها مشخص می‌کند که نظم به‌خصوصی در انتخاب ورودی‌های فرعی و اصلی متناسب با محورهای فرعی و اصلی بنا وجود دارد. در تمامی مدارس مورد پژوهش میان محور اصلی و ورودی اصلی نظم مشخصی وجود دارد. به‌غیر از مدرسه شهید بهشتی در بقیه مدارس، ورودی‌های فرعی در ارتباط با محورهای اصلی و فرعی به‌شکل منظمی مکان‌یابی شده‌اند (جدول۷).

انتظام نمای اصلی

یکی از موارد مهم در انتظام نمای اصلی، تقارن است. در همه نمونه‌های مورد پژوهش، تقارن کلی با کمی تغییر وجود دارد.

کاربری فضاهای مدارس

در نمونه‌های مورد پژوهش، مدارس مرکز استان (رشت) از فضاهای جدید و به‌روزتری چون آزمایشگاه، اتاق کنفرانس، کتابخانه و آمفی‌تئاتر نسبت به مدارس در سایر شهرستان‌ها برخوردار بودند؛ درحالی‌که فضاهای مدارس آستارا و انزلی به اتاق مدیریت و کلاس‌های درس منحصر می‌شد.

جدول۶. پر و خالی در نمونه‌های مورد پژوهش

نمای اصلی مدرسه ۱۷شهریور	جداره خارجی مدرسه ۱۷شهریور	جداره داخلی مدرسه ۱۷شهریور	جداره داخلی مدرسه ۱۷شهریور
نمای اصلی مدرسه شهید بهشتی	جداره خارجی مدرسه شهید بهشتی	جداره‌خارجی مدرسه‌شهید بهشتی	جداره داخلی مدرسه شهید بهشتی
جداره خارجی ساختمان مدرسه مریم	جداره خارجی ساختمان مدرسه مریم	جداره خارجی ساختمان مدرسه مریم	
نمای اصلی ساختمان مدرسه شهید مدنی	جداره داخلی ساختمان مدرسه شهید مدنی	جزئیات جداره خارجی مدرسه شهید مدنی	
نمای اصلی ساختمان مدرسه شهید مرحبا	جداره خارجی ساختمان مدرسه شهید مرحبا	جداره داخلی ساختمان مدرسه شهید مرحبا	
جداره خارجی ساختمان مدرسه شرف	جداره خارجی ساختمان مدرسه شرف	جداره خارجی ساختمان مدرسه شرف	

(نگارندگان، ۱۴۰۱)

جدول۷. ارتباط بین محورهای اصلی و فرعی و ورودی‌های اصلی و فرعی نمونه‌های مورد پژوهش

محور اصلی بنا	محور فرعی بنا	ورودی اصلی	ورودی فرعی
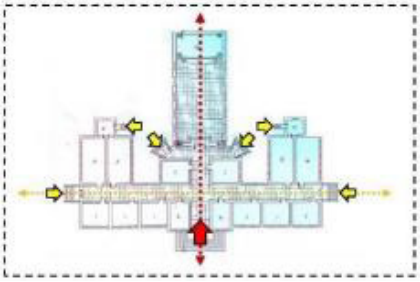		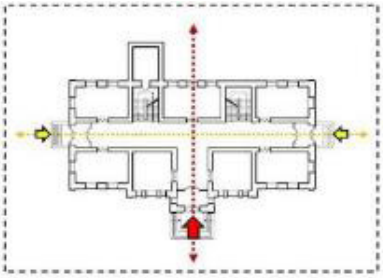	
پلان شهید بهشتی		پلان طبقه همکف ۱۷شهریور	
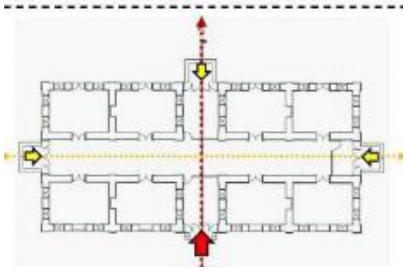		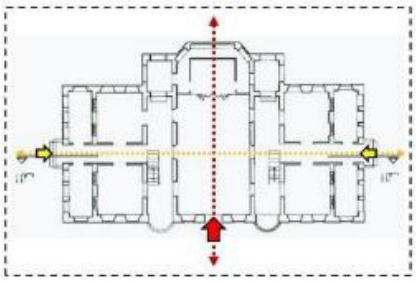	
پلان شهید مدنی		پلان طبقه اول مریم	
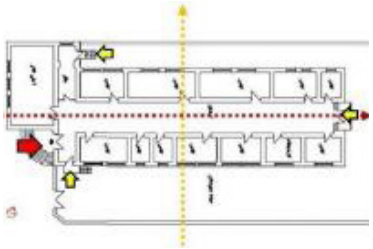		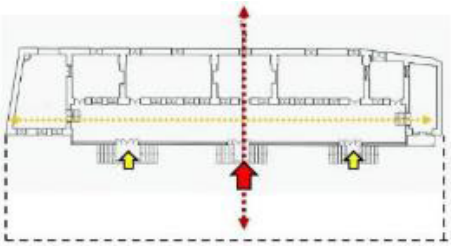	
پلان شرف		پلان طبقه اول مرحبا	

(نگارندگان، ۱۴۰۱)

جدول۸. انتظام نمای اصلی نمونه‌های مورد پژوهش

اجزای نما	اختلاف سطح از زمین	خط تقارن
		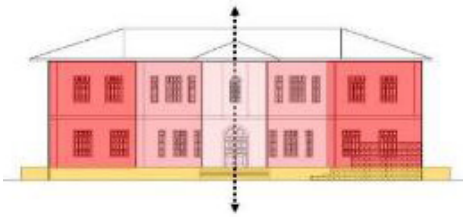
نمای شهید بهشتی		نمای ۱۷شهریور
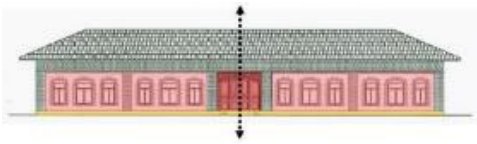		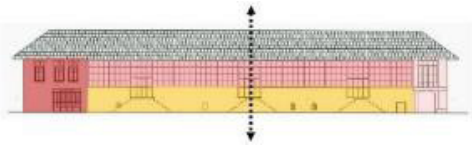
نمای شهید مدنی		نمای شهید مرحبا

(نگارندگان، ۱۴۰۱)

جدول۹. کاربری ریزفضاهای مدارس پژوهش

فضای آموزشی	فضای اداری	فضای تجمع	فضای خدماتی و جانبی	نامشخص
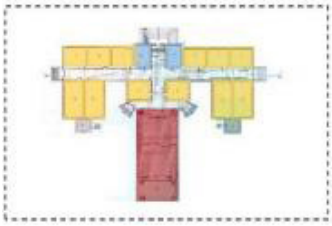	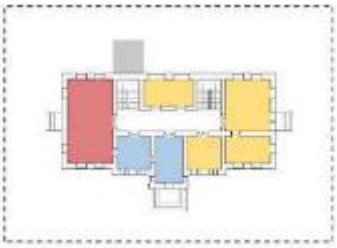	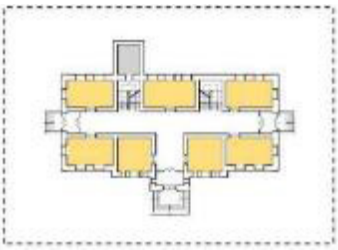		
پلان شهید بهشتی	پلان طبقه اول ۱۷شهریور	پلان طبقه همکف ۱۷شهریور		
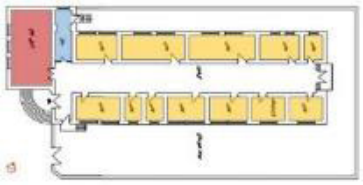	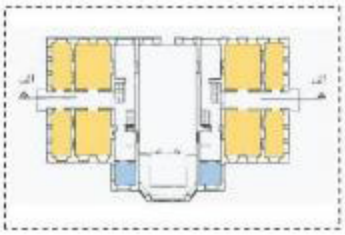	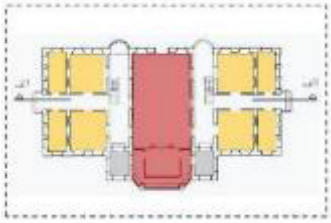		
پلان شرف	پلان طبقه اول مریم	پلان طبقه همکف مریم		
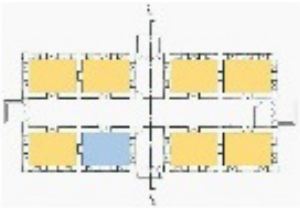	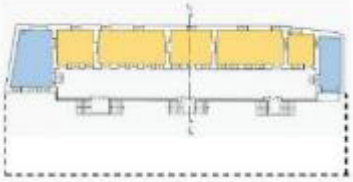			
پلان شهید مدنی	پلان طبقه اول مرحبا	پلان طبقه همکف مرحبا		

(نگارندگان، ۱۴۰۱)

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالبی که در پژوهش حاضر بررسی شد، در جهت پاسخ به پرسش‌های پژوهش، نتایج استخراج‌شده را می‌توان در سه دسته تقسیم کرد: دسته اول، نتایجی است که از تحولات تاریخی به دست آمده و در واقع شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دورهٔ قاجار و پهلوی اول و تأثیرات آن را بر سیستم آموزش و معماری کشور بیان می‌کند. دوم، نتایج حاصل از تغییرات نظام آموزش و سوم، تحولات معماری مدارس در بازه مذکور است. به‌طور خلاصه نتایج حاصل از تحولات تاریخی را می‌توان این‌طور بیان کرد که برخوردهای سیاسی، تجاری و نفوذ بیگانگان در کشور در دوره قاجاریه سبب شد تحولات بی‌مانندی در زمینه‌های متعدد فراهم شود که به‌دنبال آن اندیشه و مفاهیم جدیدی در نظام فکری جامعه آن دوران شکل گرفت. ازجمله اقدامات فرهنگی دوره قاجار، تأسیس روزنامه، چاپ و ترجمه کتاب، اعزام دانشجو برای تحصیل به خارج و تأسیس مدارس جدید بود که همگی به‌نوعی حاصل آشنایی با پیشرفت تمدن غربی بود. اگرچه در دوره قاجار به‌دلیل ارتباط بسیار با غرب، عملکردهای جدیدی در زمینه‌های متعدد پدید آمد که نیازمند کالبد جدیدی بود اما اقدام قابل توجهی جهت رفع این نیازها صورت نگرفت و بیشتر عملکردها در کالبد همان ساختمان‌های قدیمی انجام شد. برای نمونه مدارس جدید در خانه‌ها ایجاد شدند حال آنکه در دوره

پهلوی اول، برای بیشتر عملکردهای جدید، ساختمان‌های جدید ساخته و بهره‌برداری شد. نتایج حاصل از تحولات نظام آموزش نشان می‌دهد که به‌دنبال این تغییر و تحولات، مدارس جدید گسترش یافتند. در واقع آموزش جدید به‌مرور فضاهای جدید متناسب با سیستم جدید غربی را به ارمغان آورد. با توجه به تغییر عملکرد بناهای آموزشی مدرسه، مکتب‌خانه و حوزه علمیه در این دوران، فرم و کالبد بناهای مذکور به دبستان، دبیرستان، هنرستان، دانش‌سَرا و دانشگاه تغییر یافتند و فضاهایی چون کلاس درس، فضای اداری، کارگاه، آزمایشگاه، سالن اجتماعات، راهروهای ارتباطی و مواردی از این قبیل شکل گرفت که پیش از آن وجود نداشت. در واقع تغییر در عملکرد باعث تغییر در معماری شد. ازجمله این تغییرات می‌توان به فضاهای اصلی در ساختمان مدارس جدید اشاره کرد که با مدارس سنتی تفاوت داشت. در مدارس سنتی، حجره و مدرس، فضاهای عملکردی محسوب شده که بخش عمده‌ای از مساحت بنا را تشکیل می‌دهند درحالی که در مدارس جدید، کلاس و دفتر فضاهای اصلی هستند. می‌توان گفت در مدارس سنتی، علم و زندگی دانش‌آموز، هر دو مهم بوده و به‌نوعی باهم ادغام شده بودند. اما در مدارس جدید، آموزش به‌صورت کلی در فضای کلاس و امور اداری در دفتر مدرسه صورت می‌گرفت. ازاین‌رو تلفیق و همنشینی زندگی و تحصیل دانش‌آموزان در مدارس جدید از بین رفته است. از حیاط مرکزی و ایوانچه‌هایی که در مقابل حجره‌های مدارس سنتی قرار داشتند، جهت تداوم مباحث آموزشی در خارج از فضای مَدرس استفاده می‌شد. این قابلیت را در معماری مدارس جدید نمی‌توان مشاهده کرد. حجره‌ها در مدارس سنتی فضایی جهت اسکان، زندگی و آموزش است؛ درحالی که در مدارس جدید، تنها آموزش دانش‌آموزان مورد توجه است که تنها در فضای کلاس انجام می‌پذیرد و با خارج شدن از آن فضا، آموزش به پایان می‌رسد. از مهم‌ترین تغییرات در مدارس جدید، می‌توان به نحوۀ سازماندهی فضاهای آموزشی اشاره کرد. در مدارس جدید راهروها به‌عنوان عناصر خطی جایگزین عناصر میانی یعنی حیاط مرکزی شده‌اند. نقش راهرو در مدارس جدید به‌دلیل ایجاد نظم و ارتباط و جداسازی کلاس‌ها و همچنین امکان قرارگیری تعداد بیشتری کلاس در یک سمت یا هر دو سمت آن، اهمیت بسزایی دارد. در واقع با تثبیت نظام آموزشی جدید در دوره پهلوی اول، استفاده از الگوی خطی در ساخت مدارس جدید تا به امروز به‌عنوان یک اصل به کار گرفته می‌شود. از این عنصر در تمامی نمونه‌های مورد پژوهش استفاده شده است. برای مثال در مدرسه‌های ۱۷شهریور، شهید بهشتی، شهید مدنی و شرف راهرویی طویل در میان کلاس‌ها و فضاهای اداری استقرار یافته است. تناسبات این فضا در مدرسه شهید مرحبا به‌شکلی است که فضاهای جانبی تنها در یک طرف راهرو جای‌گیری شده‌اند. در مدارس جدید نقش پلکان خارجی قابل توجه است. در مدارس سنتی، پلکان عموماً داخلی بوده و از ارزش مکانی و فضایی کمتری نسبت به سایر فضاها برخوردار بودند. پلکان در مدارس جدید به عنصر مهمی جهت ترکیب و ارتباط فضا تبدیل شد؛ همچنین وجود پلکان در جداره خارجی و ورودی اصلی ساختمان قابل توجه است. در نمونه‌های مورد پژوهش اختلاف سطح میان بنا و حیاط مشاهده شد که ارتباط آن‌ها با پلکان برقرار می‌شد. پلکان در مدارس ۱۷شهریور، شهید بهشتی و شهید مرحبا علاوه‌بر این‌که اختلاف سطح را پوشش داده، ورودی را تعریف کرده و به آن اعتبار و شکوه بخشیده‌اند. نتایج تحلیل تغییرات معماری مدارس گیلان در اواخر دوره قاجار و دوره پهلوی اول نشان می‌دهد مدارس جدید گیلان در این دوره عموماً به سبک اروپایی ساخته شده و در واقع مدارسی که در مرکز استان گیلان (رشت) قرار دارند، نسبت به سایر مدارس در شهرستان‌های دیگر (آستارا و بندرانزلی) بزرگ‌تر بوده و دارای ریزفضاهای جدیدتر و تزئینات بیشتری هستند. در پایان، نتایج حاصل از تحولات معماری مدارس گیلان را می‌توان بدین صورت شرح داد:

نمونه‌های مورد پژوهش براساس شیوه‌های تعریف کننده، ترکیب‌کننده و تمایزدهندۀ فضا و کاربرد ریزفضاها تحلیل شدند. مدارس براساس نحوه ارتباط با حیاط به سه حالت تقسیم می‌شوند: در حالت اول، ساختمان مدارس ۱۷شهریور، شهید بهشتی، مریم و شهید مدنی، از چهار جهت با فضای باز حیاط ارتباط دارند. در حالت دوم، مدرسه مرحبا از سه جهت بسته و تنها از یک جهت شرق با فضای باز حیاط مرتبط است. در حالت سوم، مدرسه شرف از جهت غرب بسته و از سه جهت شمال، جنوب و شرق با فضای باز حیاط در ارتباط است. با بررسی نقشه‌های مدارس

می‌توان نتیجه گرفت که فضای نیمه‌باز تنها به‌صورت بالکن و حدفاصل میان فضای باز و فضای بسته در طبقه اول مدرسه مریم و مرحبا به چشم می‌خورد. وجود حیاط مرکزی یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های معماری سنتی ایرانی و عامل اصلی در شکل‌گیری معماری مدارس سنتی است که سبب ایجاد درون‌گرایی در آن‌ها شده است. این ویژگی در مدارس جدید تغییر پیدا کرده است به‌طوری که بررسی نمونه‌های مورد پژوهش نشان داد درون‌گرایی دیگر به‌صورت مطلق وجود ندارد و بناها به برون‌گرایی متمایل گشته‌اند. این ویژگی نه‌تنها در مدارس این دوره بلکه در اکثر بناها با کاربری‌های گوناگون نیز مشاهده می‌شود. برای پژوهش‌های آتی، موضوعاتی با این مضامین پیشنهاد می‌شود: شناخت تحولات کیفی مدارس در دوره‌ها و شهرهای مختلف ایران، گونه‌شناسی مدارس ایرانی با رویکرد فضایی، راهکارهایی جهت کاهش فاصله میان سیستم آموزشی و معماری فضاهای آموزشی، مطالعات تطبیقی مدارس در حوزه تاریخ معماری، شناخت تفاوت‌های الگویی مدارس و دلایل آن‌ها در قلمرو ایران فرهنگی و در آخر نقد سیاست‌ها و قوانین گذشتهٔ موجود در حوزه مدارس و محیط‌های آموزشی به‌منظور بازنگری قوانین و کاربرد در برنامه‌ریزی و طراحی محیط‌های آموزشی.

فهرست منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷). **ایران بین دو انقلاب**. ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری و محسن مدیرشانه‌چی، تهران: نشر مرکز.
- ابوالقاسمی، لطیف (۱۳۷۴). معماری ایرانی در سخن چهار نسل از معماران صاحب نظر. *فصلنامه آبادی*، (۱۹)، ۱۲-۸.
- اسناد سازمان میراث فرهنگی و گردشگری گیلان. دسترسی: تیرماه ۱۴۰۱.
- افشاراصل، مهدی و خسروی، محمدباقر (۱۳۷۷). معماری ایران در دوره قاجار. *فصلنامه هنر*، (۳۶)، ۱۳۸ – ۱۲۰.
- اکبری، زینب (۱۳۹۰). **معماری مدارس علوم دینی قاجار شهر تهران**. تهران: آرمانشهر.
- الاصفهانی، محمدمهدی بن محمدرضا (۱۳۶۸). **نصف جهان فی‌تعریف الاصفهان**. تصحیح منوچهر ستوده، تهران: امیرکبیر.
- باقرزاده نریمانی، نفیسه (۱۳۹۴). «تأثیر نظام آموزشی بر معماری مدارس ایران؛ نمونه‌های موردی مدارس دوران قاجار، پهلوی و معاصر تهران». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، مطالعات معماری ایران، اصفهان: دانشگاه هنر.
- برخورداری‌یزدی، امیر (۱۳۸۸). «تحلیل تغییرات معماری مدارس در اواخر دوره قاجار و دوره پهلوی اول؛ نمونه‌های موردی مدارس یزد». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، مطالعات معماری ایران، اصفهان: دانشگاه هنر.
- حائری، محمدرضا (۱۳۹۵). **خانه، فرهنگ و طبیعت در معماری ایران**. چاپ دوم، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- حاجی‌قاسمی، کامبیز (۱۳۷۸). **گنجنامه مدارس**. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ذوالفقاری، حسن و حیدری، محبوبه (۱۳۹۱). **ادبیات مکتب‌خانه‌ای ایران**. تهران: رشدآوران.
- راوندی، مرتضی (۱۳۵۷). **سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا**. تهران: گویا.
- رضوی‌پور، مریم‌سادات و ذاکری، محمدمهدی (۱۳۹۶). تأثیر تحول نظام آموزش بر هویت معماری مدارس دوره قاجار و پهلوی (۱۲۵۵ـ۱۳۲۰). *فصلنامه مطالعات ملی*، سال هجدهم، (۴)، ۷۷-۵۹.
- زرکش، افسانه (۱۳۸۸). نقش و تأثیر عوامل دولتی در معماری بناهای خصوصی در دوره پهلوی اول. *کتاب ماه هنر*، (۱۳۶)، ۲۵-۱۴.
- سعیدی‌کیا، ندا (۱۳۹۷). سیر تحول معماری مدارس ایران در گذر زمان. *معماری‌شناسی، نشریه اختصاصی معماری و شهرسازی ایران*، سال اول، (۱)، ۶-۱.
- سمیع‌آذر، علیرضا (۱۳۷۶). **تاریخ تحولات مدارس در ایران**. تهران: سازمان نوسازی، تجهیز مدارس کشور.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۶۴). **تاریخ مدارس ایران: از عهد باستان تا تأسیس دارالفنون**. چاپ اول، تهران: نشر آگاه.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۸۶). **مدارس، معماری ایران دوره اسلامی**. گردآورنده محمدیوسف کیانی، تهران: سمت.

- سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۹). **روانشناسی پرورشی: روانشناسی یادگیری و آموزش**. تهران: آگاه.
- صدیق، عیسی (۱۳۳۶). **تاریخ فرهنگ ایران**. تهران: دانشگاه تهران.
- - طهماسبی، فرزانه (۱۳۹۷). «تحلیل ویژگی‌های کالبدی معماری مدارس اصفهان در اواخر دوره قاجار و دوره پهلوی اول». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، مطالعات معماری ایران، اصفهان: دانشگاه هنر.
- عظیمی، ناصر (۱۳۹۶). **تاریخ گیلان؛ از ورود شاه‌عباس به گیلان تا پایان انقلاب جنگل**. رشت: فرهنگ ایلیا.
- _____ (۱۳۹۸). **تاریخ گیلان؛ از برآمدن سردار سپه تا برافتادن رضاشاه**. رشت: فرهنگ ایلیا.
- فروحی، علی و طالبی، فرامرز (۱۳۷۷). **ارمنیان گیلان**. رشت: گیلکان.
- فومنی، عبدالفتاح (۱۳۵۳). **تاریخ گیلان**. تصحیح عطاءالله تدین، تهران: کتابفروشی فروغی.
- قاسمی پویا، اقبال (۱۳۷۷). **مدارس جدید در دوره قاجاریه، بانیان و پیشروان**. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کسائی، نورالله (۱۳۸۳). **فرهنگ نهادهای آموزشی ایران**. تهران: دانشگاه تهران.
- کشاورزی، محمد (۱۳۸۵). **تاریخ آموزش‌وپرورش ایران**. تهران: روزبهان.
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۵۴). **تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران**. تهران: دانشگاه تهران.
- مهدوی، مصلح‌الدین (۱۳۸۶). **اصفهان دارالعلم شرق (مدارس دینی اصفهان)**. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- نظری، علی‌اشرف (۱۳۸۶). ناسیونالیسم و هویت ایرانی مطالعه موردی دوره پهلوی اول. *نشریه پژوهش حقوق عمومی*، (۲۲)، ۱۷۳-۱۴۱.

Received: 2023/02/07
Accepted: 2023/05/01

Analysis of Architectural Changes in Schools during the Late Qajar Period and the First Pahlavi Era Case Studies of Schools in Gilan*

Nafiseh Ashouri Nalkiyashari ** **Niloufar Malek** ***

Abstract

The issue of education in Iran has a long history, and schools constitute an important part of the country's historical buildings. The transition from the Qajar dynasty to the First Pahlavi era is significant not only because of the end and beginning of two important royal dynasties but also due to fundamental transformations in various political, economic, social, and cultural dimensions, which in turn influenced architectural and urban development. Following these changes, Gilan, like other regions of Iran, experienced numerous transformations during these periods, and as a result, the architecture of its schools was also affected. Today, understanding the architectural transformations of buildings across different periods is one of the most important needs in architectural studies, as the proper study and education of past architecture provide the opportunity to correct mistakes in contemporary architecture. The aim of this research is to analyze the architectural changes in schools in Gilan during the late Qajar period and the First Pahlavi era, seeking to answer the question of how the architectural changes in Gilan's schools occurred during these times. Additionally, what factors influenced the architectural changes in Gilan's schools during this period, and what social changes took place? Therefore, using a descriptive-analytical method and based on field and library studies, this research examines the schools of Gilan (including: Shahid Madani and Shahid Marhaba schools in Astara, Shahid Beheshti (Shahpour), 17 Shahrivar (Forough), and Maryam schools in Rasht, and Sharaf (Mahdokht) school in Bandar Anzali) during the time frame of the Qajar and First Pahlavi periods. Understanding the spatial characteristics of the schools revealed that alongside the advancement of the educational system during this period, new spaces were created in schools that were unprecedented before, corresponding to new educational functions. In order to reflect the influence of contemporary Western ideas, the new schools in Gilan during this period were generally built in a European style.

Keywords: School, Qajar period, First Pahlavi era, Gilan, architecture.

---

*This article is derived from the master's thesis of Nafiseh Ashouri Nalekiyashari: "Analysis of Architectural Changes in Schools during the Late Qajar Period and the First Pahlavi Era; Case Studies of Schools in Gilan," supervised by Niloufar Malek at the Isfahan University of Art.

** Master's student, Faculty of Architecture, Iranian Architectural Studies, Isfahan University of Art, Isfahan, Iran.

*** Associate Professor, Architecture, Isfahan University of Art, Isfahan, Iran (corresponding author).

n.malek@aui.ac.ir